



حقیقت ایمان؛ از اعتقاد قلبی تا حقایق عملی و حسنات اخلاقی

ایمان، در کلام نورانی رسول خدا (ص) تعبیر به ریشه و پایه و اصل شده است، زیرا اگر ایمان نباشد بنای دین استوار و مستحکم نخواهد بود و یقیناً فتنه ها و فتنه گران میان انسان و دین جدایی خواهند انداخت.

خبرگزاری مهر- ایمان، در کلام نورانی رسول خدا (ص) تعبیر به ریشه و پایه و اصل شده است، زیرا اگر ایمان نباشد بنای دین استوار و مستحکم نخواهد بود و یقیناً فتنه ها و فتنه گران میان انسان و دین جدایی خواهند انداخت.

آنان که گمان می کنند ایمان حقیقی بسیط و یک واقعیت خالص قلبی است گمانشان بی پایه، و اساس تصورشان از ایمان تصویری باطل، و گفتارشان در این زمینه گفتاری بی دلیل و برهان است. ایمان، چنان که از صریح آیات قرآن و روایات استفاده می شود. حقیقتی مرکب از سه بخش است.

1- اعتقاد و باور که جنبه ریشه و پایه دارد.

2- حقایق عملی

3- حسنات اخلاقی

مومن حقیقی کسی است که قلبش بر باور و یقین و اعتقاد صحیح می تپد، و اعضایش سرسبز به عمل صالح، و باطنش آراسته به زیبایی های اخلاقی است. آیات و روایات گاهی ایمان و مومن را یک جا توضیح داده اند، و به جلوه های باطنی و ظاهری ایمان در وجود مومن اشاره کرده اند.

ایمان در قرآن و روایات

قرآن مجید ایمان را مرکب از "باور داشتن به خدا و قیامت و فرشتگان و قرآن و پیامبران، و پرداخت مال - در عین عشق ورزی به آن - به خویشاوندان و یتیمان و از کار افتادگان و در راه ماندگان و سائلان و در راه آزادی بردگان، بر پا داشتن نماز، هزینه کردن زکات، وفای به پیمان، استقامت و صبر در کارزار، هنگام مصیبت و رنج بلا و درد و تهیدستی و فقر می داند.

قرآن مجید مومنان را چه در حال قیام، چه در حال نشستن، چه در حال خفتن، غرق یاد خدا و در مقام اندیشه ای صحیح در مورد آفرینش بر اساس حق و درستی است معرفی می کند، و می گوید: مومنان درخواستشان از مولایشان این است که آنان را از آتش دوزخ حفظ کند. به پروردگارشان می گویند هر کس را تو در آتش اندازی او را به خفت و خواری دچار کرده ای و برای ستمکاران به آیات تو هیچ یار و یآوری نخواهد بود. و نیز به پروردگارشان می گویند: "صدای ندا کننده ای که انسانها را به ایمان آوردنشان به پروردگارشان دعوت می کرد شنیدیم، پس ما ایمان آوردیم، در نتیجه گناهانمان را بیامرز و بدی هایمان را ببوشان و ما را در زمره نیکان قبض روح کن".

قرآن مجید مومنان را "خاشع در نماز، رویگردان از کارها و سخنان بیهوده، پرداخت کننده زکات، حافظ عفت و پاکدامنی، امین و وفادار به پیمان و محافظت کننده بر نمازهای واجب" معرفی می کند.

امیرالمومنین (ع) می فرماید: مومن در برابر حوادث و مصائب و فتنه ها و آشوب ها بردبار و با وقار است. و در برابر امور ناخوشایند پابرجا و شجاع است. شکیبایی در بلا، و سپاسگزار در فراخی و گشایش و قانع به روزی خداست، به دشمنان ستم نمی ورزد، و بار سنگینی بر دوستان نیست، مردم از او در راحتند، و خود او برای راحت مردم در سختی و مشقت است.

رسول خدا (ص) فرمود: مومن سود محض است، اگر به سوی او قدم برداری تو را سود رساند و اگر با او مشورت کنی تو را سود دهد، و اگر با او مشارکت نمایی تو را سود بخشد، و هر چیزی از کار مومن سود محض است.

رسول خدا (ص) در توصیف مومن فرموده است: حرکاتش لطیف و نرم و محضرش شیرین است، از میان امور، برترین را می طلبد،

و از اخلاق رفیع ترینش را می جوید، بر کسی که با او دشمن است ستم نمی ورزد، و به خاطر کسی که به او عشق دارد گناه نمی کند، هزینه زندگی اش اندک، و یاریش به مردم بسیار است، عملش را نیکو انجام می دهد چنانکه گویی ناظری بر او نظارت دارد، از حرام چشم فرو می پوشد، دارای جود و سخاوت است. سائلی را محروم نمی کند، کلامش را سنجیده می گوید، زبانش از باطل گویی لال است، باطل را از دوستش نمی پذیرد، و حق را بر ضد دشمنش بر نمی گرداند، جز برای دانا شدن نمی آموزد، و جز برای عمل کردن دانا نمی شود، اگر با اهل دنیا قرار گیرد زیرک ترین آنان است و اگر با اهل آخرت سلوک کند پرهیزکارترین آنان است.

امام صادق (ع) در وصف مومن فرمود: مومن بردباری است که چهل نمی ورزد و اگر بر او چهل ورزند بردباری نشان می دهد و ستم نمی کند، و اگر بر او ستم شود گذشت می کند و بخل نمی ورزد، و اگر بر او بخل ورزند شکیبایی پیشه می کند.

با توجه به این گونه آیات و روایاتی که گفته شد تردیدی نمی ماند که ایمان حقیقتی مرکب از عقیده، عمل و اخلاق است؛ و مومن کسی است که از این سه حقیقت به اندازه طاقت و وسعش برخوردار باشد. این سه حقیقت به طور واضح در آیات و روایات تفسیر شده است و مردم را به دقایق و لطایفش آگاهی داده اند. تا جایی که برای تحصیل سعادت و خوشبختی چیزی را فروگذار نکرده اند، و اسلامی کامل و دینی جامع و مکتبی انسان ساز و قوانینی فراگیر نسبت به شئون زندگی ارائه نموده اند.

انسان با آراسته شدن به حقایق دینی، موجودی برتر از همه موجودات و خلیفه الله، و مظهر اسما و صفات حق، و امین الله می شود، و لایق بزم ملکوت و همنشینی با فرشتگان و رفاقت و دوستی با پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان است.

ایمان، در کلام نورانی رسول خدا تعبیر به ریشه و پایه و اصل شده است، زیرا اگر ایمان نباشد بنای دین استوار و مستحکم نخواهد بود و یقیناً فتنه ها و فتنه گران میان انسان و دین جدایی خواهند انداخت.

ایمان یعنی: باور داشتن خدا و صفات جلال و جمال او

کسی که خدا را باور دارد، به فرامین و قوانین و خواسته هایش گردن می نهد.

کسی که خدا را باور دارد، در خلوت و آشکار از زشتی و بدکاری می پرهیزد.

کسی که خدا را باور دارد، وجود خود را مطلع الفجر اسما و صفات او قرار می دهد.

کسی که خدا را باور دارد، از کسب نامشروع و لقمه حرام و ظلم و ستم و دغل و خیانت می پرهیزد.

کسی که قیامت را باور دارد، از گناهان مربوط به چشم و زبان و گوش و دست و شکم و پا و شهوت می پرهیزد.

کسی که قیامت را باور دارد، خود را در این دنیا مسافر می بیند و همچون مسافر از مسیر دنیا به آخرت سبک بار ادامه سفر می دهد و پرونده اش از عبادات و طاعات و خیرات می کوشد و سعی می کند شری در پرونده اش ثبت نشود.

کسی که قیامت را باور دارد، از شهوات حرام و لذت های نابجا و نگاههای آلوده و اعمال ناهنجار و رفتار ناپسند، گرچه به قیمت از دست دادن جاننش تمام شود خودداری می کند.